

آیا وکالت الزامی است؟

بحثی پیرامون لزوم الزامی شدن دخالت وکیل و مشاوران حقوقی در دعاوی و تنظیم قراردادهای

علی رضا حسینی

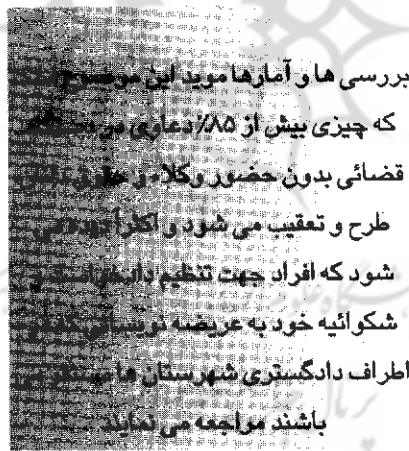
در تنظیم شکایات و لوائح و مشاوره های غلط ضربات جبران ناپذیری به طرفین دعوی و دستگاه قضائی وارد می نمایند.

از طرف دیگر سوابق و آمار هریک از شعب دادگاههای ما حاکی از انبوه دعاوی ناشی از قراردادهای خصوصی است که به علت عدم آگاهی تنظیم کننده از مقررات و ضوابط حاکم بر مورد معامله و شرایط قرارداد و نامشخص ماندن حقوق و تکالیف طرفین به اختلاف انجامیده است.

ضرر و زیان تنظیم قراردادهای خصوصی توسط اشخاصی فاقد اطلاع و تخصص، همان اندازه قطعی و حتمی است که هدایت یک تریلی حامل یک تانکر بنزین را به کسی محول نمایند که فاقد گواهینامه رانندگی است.

جماعت فاقد تخصص و اطلاع با تنظیم قراردادهای خصوصی و تنظیم اوراق حقوقی در حقیقت تخریب روابط حقوقی و اقتصادی افراد جامعه و توسعه و تراکم دعاوی را دامن می زنند زیرا آنچه بنام قرارداد توسط آنها تدوین می شود ارزش حقوقی ندارد و پاسخگوی نیاز طرفین و مبین حقوق و تکالیف آنان نمی باشند. تنظیم قراردادهای خصوصی توسط افراد فاقد تخصص و مسئولیت که اغلب از سواد کافی خواندن و نوشتن بی بهره اند موجب گردیده تا قوه قضائیه پیوسته با تحمل هزینه و تجهیز کادر قضائی و اداری در مقام رسیدگی به دعاوی حاصله و ترمیم و ساماندهی روابطی باشد که از این طریق تخریب شده و به اختلاف انجامیده است لذا با توجه به این مداخله ناروای افراد عاری از صلاحیت در تنظیم قراردادهای خصوصی حقوق فردی و اجتماعی را مدام در معرض تضییع و تخریب قرار داده و تراکم و تزیاید دعاوی و بالتبلیجه اطلاع دادرسی را به ارمغان داشته است.

موجب سرگردانی مراجعین به دادگستری شده و ماه ها و سال هاست که در دستگاه قضائی سرگردان می باشند و تاکنون نیز نتوانسته اند به نتایج دلخواه خود دست یابند و بطور قاطع می توان ادعا نمود که یکی از علل مهم اطاله دادرسی در سیستم قضائی کنونی ما مسئله دخالت افراد ناآشنا با مسائل قضائی و حقوقی می باشد، بررسی ها و آمارها موید این موضوع است که چیزی بیش از ۸۵٪ دعاوی در دستگاه قضائی بدون حضور وکلاء و حقوق دانان طرح و تعقیب می



شود و اکثراً دیده می شود که افراد جهت تنظیم دادخواست و شکوائیه خود به عریضه نویسانی که در اطراف دادگستری شهرستان ها مستقر می باشند مراجعه می نمایند که با کمال تاسف اینگونه افراد نیز صرفاً دارای اطلاعات تجربی هستند و تحصیلات آنها بعضاً در حد ابتدائی می باشد و در بسیاری از مواقع با راهنمایی های غلط خود مشکلات عدیده ای را برای دستگاه قضائی و مراجعین بوجود می آورند و اینجانب به کرات شاهد آن بوده ام که افراد فوق الذکر حتی از ابتدائی ترین اطلاعات در خصوص صلاحیت محاکم نیز بی بهره می باشند و دخالت آنها

شیوه تدوین قوانین و مخصوصاً قوانین آئین دادرسی در کشور ما تا حد زیادی برگرفته شده از اصول حاکم بر نظام رومی - ژرمنی می باشد، یعنی قوانین به شکلی تنظیم گشته است که فهم و درک آن برای عوام به راحتی میسر نمی باشد بلکه صرفاً کسانی قادر به فهم و احاطه به این قوانین و مخصوصاً اصول حاکم بر آئین دادرسی می باشند که در علم حقوق صاحب تخصص و صاحب نظر باشند، اکثر اوقات به کرات دیده می شود که بسیاری از فارغ التحصیلان رشته حقوق که از دانشگاه های معتبر نیز فارغ التحصیل شده اند اما بطور عملی با اصول قضائی آشنا نشده اند و قادر به استفاده صحیح از قوانین و مخصوصاً اصول و قواعد آئین دادرسی مدنی و کیفری جهت اقامه دعوی در محاکم دادگستری نمی باشند و در مقام اقامه دعوی و تعقیب آن دچار خطا و اشتباه می شوند، در این خصوص بطریق اولی بسیاری از عوام الناس و اکثر مراجعین به دادگستری اطلاعات حقوقی کافی جهت طرح دعوی و رجوع به محاکم دادگستری را دارا نمی باشند.

امروزه علم حقوق در تمامی کشورها بصورت رشته ای تخصصی در آمده و صرفاً کسانی قادر به استفاده از تخصص خود در محاکم دادگستری می باشند که دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته حقوق باشند و بطور علمی و ملموس نیز آموزش های لازم را دیده باشند.

در سال های اخیر هر روزه شاهد آن هستیم که اکثر مراجعین به دادگستری با اصول و قواعد اولیه اقامه دعوی و اصول دادرسی آن آشنا نیستند و نمی دانند به کدام مرجع قضائی مراجعه نمایند و چگونه دادخواست و شکوائیه خود را تنظیم کنند و خواسته خود را تحت چه عنوانی مطرح نمایند و همین امر خود

دخالت افراد متخصص حقوقی، مخصوصاً وکلا و مشاوران در تنظیم قراردادها، شکوائیه و دادخواستهای حقوقی و لوایح دفاعیه به تمامی مشکلات فوق الذکر خاتمه داده و موجب خواهد گردید که اولاً: شیوه دادرسی و رسیدگی به پرونده ها سرعت گرفته ثانیاً: حقوق مردم و اصحاب دعوی به شکل کاملی حفظ گردد. ثالثاً: مواد قانونی به شکلی کامل اجرا گردد. رابعاً: از این طریق هزاران شغل برای فارغ التحصیلان حقوق ایجاد می گردد و در نهایت جامعه حقوقی با دخالت هزاران وکیل و مشاوران حقوقی با یک پویایی و رشد غیرقابل وصفی روبرو خواهد گردید.

علل و جهات عدم استقبال مردم از حضور وکلا و مشاوران حقوقی

همانطوریکه در مقدمه توضیح داده شد در کشور ما عموماً مردم بدون مراجعه به وکلا و مشاوران حقوقی، خود دعاوی خود را به جریان انداخته و یا تعقیب می نمایند و یا به افراد فاقد تخصص مراجعه نموده که عواقب و مشکلات این موضوع در مبحث قبل توضیح داده شد. بررسی این موضوع و شناخت ریشه ها و راههای حل آن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می باشد.

شاید بتوان از موارد ذیل بعنوان عمده ترین دلایل عدم استقبال مردم از متخصصین علم حقوق و وکلا نام برد:

۱) کمبود شدید وکلا و مشاوران حقوقی:

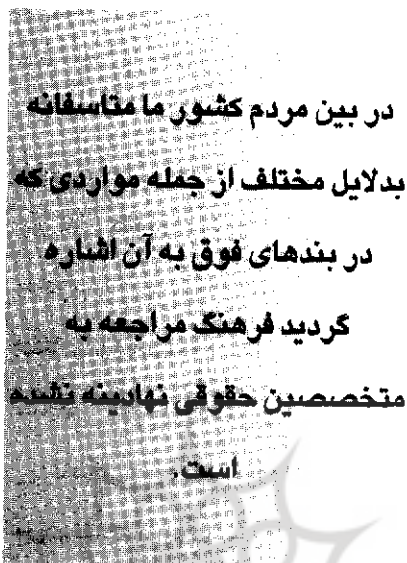
کشور ایران را می توان جزء معدود کشورهایی قلمداد نمود که تعداد وکلا به نسبت جمعیت آن بسیار ناچیز می باشد تا جایی که در بسیاری از بخش ها و شهرهایی که دارای دادگستری می باشند از حضور وکیل و یا مشاور حقوقی خبری نیست و مردم به ناچار مجبورند یا خود به طرح و پیگیری دعوی خود مبادرت ورزند و یا به عریضه نویسان مراجعه کنند.

معدود وکلای نیز که در کشور ما وجود دارند، در پایتخت یا مراکز استان ها متمرکز شده اند. از طرف دیگر در کشور ما موسساتی تحت عنوان کلینیک یا موسسه مشاوره حقوقی که نقش مشاوره و راهنمایی مردم را در مراجعه به دستگاه قضائی و تنظیم انواع قراردادها را ایفاء کند وجود ندارد و وکلا نقش مشاور حقوقی را نیز ایفاء می نمایند در حالیکه نقش و وظیفه و تخصص وکلا و مشاوران حقوقی دو مبحث کاملاً جداگانه و متمایز می باشد.

بررسی وضعیت بسیاری از کشورها حتی

کشورهای آفریقائی نشانگر آن است که تعداد وکلا و جمعیت آن کشورها تناسب دارد و حتی گاه از تعداد پزشکان آن کشورها نیز بیشتر است در حالیکه معضلات و مشکلات حقوقی مردم این کشورها از مردم کشور ما کمتر نیز می باشد.

کمبود تعداد وکلا و عدم وجود موسسات مشاور حقوقی در کشور ما نشانگر این واقعیت است که



کانون وکلای دادگستری علی رغم تمام تلاش ها و خدمات نتوانسته است نقش خود را بخوبی در این خصوص ایفاء نماید. سختگیری های غیرضروری در جذب کارآموزان وکالت، عدم توجه به نقش تجربه و سوابق عملی در پذیرش کارآموزان، عدم جذب بسیاری از فارغ التحصیلان دانشگاهی حتی در سطح فوق لیسانس و دکتری علاوه بر آن که موجب کمبود شدید وکلا در جامعه گردیده است، بلکه موجب یک نوع سرخوردگی فارغ التحصیلان حقوق شده است و همین امر دولت و مجلس را وا داشت که در سال گذشته با تصویب و اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه نقش تربیت وکلا و ایجاد موسسات مشاوره حقوقی را به قوه قضائیه بسپارد. در این خصوص جا دارد که اعضاء هیات مدیره کانون وکلا در برنامه ها و اهداف خود و در پذیرش کارآموزان وکالت تجدیدنظر نمایند و کانون وکلا بجای آنکه محل دفع فارغ التحصیلان و متخصصین حقوقی باشد، محلی جهت جذب و بکارگیری آنها باشد و با رویی باز و گشاده از آنها استقبال نموده و از تخصص آنها جهت ارائه خدمت به دستگاه قضائی بهره گیرند.

۲) بالا بردن نرخ حق الوکاله وکلا.

گران بودن نرخ حق الوکاله موجب شده است که

بسیاری از افراد که نیاز به وکیل و مشاوره دارند علی رغم میل باطنی قدرت استفاده از وکیل را نداشته باشند بالا بودن نرخ حق الوکاله را می توان متاثر از عوامل دانست: الف) کمبود تعداد وکلا و نبود موسسات مشاوره حقوقی که در بند اول توضیح داده شد. ب) وضعیت اقتصادی کشور و پائین بودن درآمد افراد و نابرابری درآمدها. ج) تعرفه های نامتناسب پیش بینی شده در مقررات مربوطه. د) طولانی بودن سیر دادرسی در اغلب پرونده ها و مراجعات مکرر و هزینه های ایاب و ذهاب. ه) نبود فرهنگ مراجعه به وکلا و مشاوران حقوقی.

در این خصوص این موضوع قابل توجه است که در بعضی از کشورهای اروپائی و آمریکائی دولت ها جهت برخوردار شدن عموم مردم از حق استفاده از وکیل، سالانه مبالغی را در بودجه سالانه خود تحت عنوان یارانه جهت پرداخت حق الزحمه به وکلا جهت ارائه مشاوره مجانی اختصاص می دهند.

۳) محدودیت وکلا در تبلیغ فعالیت خود

محدودیت قانونی وکلا در تبلیغات خود یکی از دلایلی است که موجب نهادینه نشدن فرهنگ مراجعه به وکیل در بین عوام شده است و همین امر خود یکی از دلایل عدم استقبال مردم از وکلا و بالا بودن نرخ حق الوکاله شده است.

۴) عدم وجود جو رقابت بین وکلا

کمبود وکلا در نتیجه داشتن مشتریان زیاد موجب گشته که جو رقابت بین وکلا در کشور ما در زمینه افزایش سطح علمی، ارائه خدمات بیشتر به ارباب رجوع و مسئولیت پذیری در مقابل موکلین وجود نداشته باشد که افزایش تعداد وکلا بطور طبیعی این نقیصه را جبران می کند.

۵) نهادینه نشدن فرهنگ مراجعه به متخصصین حقوقی

در بین مردم کشور ما متأسفانه بدلائل مختلف از جمله مواردی که در بندهای فوقی به آن اشاره گردید فرهنگ مراجعه به متخصصین حقوقی نهادینه نشده است. مردم ما برای کارهای بسیار ابتدائی و جزئی مثل خراب شدن یک شیر آب و یا تعمیر یک بخاری نفتی و بسیار موارد جزئی دیگر به متخصصین مربوطه مراجعه می نمایند اما برای مسائل حقوقی و قراردادهای مختلفی که منقذ می کنند و گاه ارزش میلیونی دارد از حضور یک فرد حقوقدان استفاده نمی نمایند بلکه بطور خودسرانه اقدام به تنظیم قرارداد یا مراجعه به دستگاه قضائی می نمایند و در نتیجه برای

خود و جامعه و دستگاه قضائی مشکل ایجاد می نمایند کانون وکلای دادگستری، مطبوعات و رادیو و تلویزیون و موسسات آموزشی می توانند نقش ارزنده ای در نهادینه شدن فرهنگ مراجعه به حقوقدانان ایفاء نمایند. قوانین می بایست بگونه ای اصلاح شود که قراردادهائی که بدون حضور متخصص حقوقی تنظیم می گردد بی اعتبار تلقی شود و اشخاص مکلف باشند که دادخواستها و شکوائیه های خود را نزد وکلا و مشاوران حقوقی تنظیم نمایند.

بررسی تاریخیچه دخالت وکلا در

دادگاههای دادگستری

شرکت و دخالت وکلای دادگستری در دادرسی های مدنی و کیفری از همان صدر مشروطیت با تشکیل دادگستری نوین همراه بوده و قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ ه. ق که برای اولین مرتبه قواعد دادرسی را در محاکم حقوقی معین کرده برای وکالت در دعوی هم شرایط و ترتیب خاصی را مقرر نموده بود.

قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب سال ۱۳۰۷ هم در مورد وکالت در دعوی مقرراتی پیش بینی نمود. مقررات راجع به وکالت در دعوی با اصلاحات و تحولاتی که در قوانین دادرسی بعمل آمد تا تصویب قانون وکالت در سال ۱۳۱۵ و بعد از آن دستخوش تغییراتی شده ولی همواره وزیر دادگستری بر وکلای دادگستری ریاست داشته تا بالاخره در اسفند ماه ۱۳۳۲ قانون استقلال کانون وکلای دادگستری تصویب و وکلای دادگستری برای اداره امور خود استقلال کامل یافتند و کانون وکلای تهران با شخصیت حقوقی مستقل تشکیل گردید.

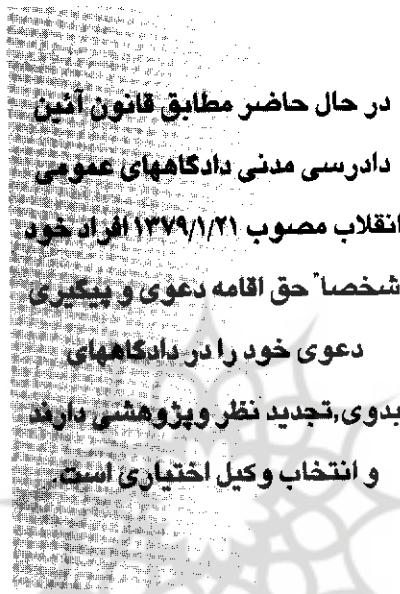
قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸

این قانون انتخاب وکیل را در دادگاههای استان و دیوانهای کشور برای اولین مرتبه الزامی شناخت و مقرر داشت که در دادگاههای بخش و شهرستان متداعیین می توانند شخصاً یا توسط وکیل، دادرسی کنند ولی در دادگاههای استان و دیوان عالی کشور برای تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند.

الزامی شدن وکالت در قانون مذکور با این اشکال مواجه گردید که تعداد وکلای دادگستری در حوزه های قضایی کشور به تعدادی نبود که بتواند جوابگوی نیاز مراجعین در این زمینه باشد و مشکلات زیادی برای مردم ایجاد نمود از این جهت قانون مذکور یکسال بعد یعنی در سال ۱۳۱۹ اصلاح گردیده و مقرر

داشت:

"حکم مقرر در ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی راجع به لزوم داشتن وکیل برای تقدیم دادخواست و دادرسی در دادگاههای استان و دیوانعالی کشور تا وقتی که در حوزه های قضایی کشور وکلای مجاز برای وکالت در دادگاههای استان و دیوانعالی کشور به تعداد کافی معین نگردیده و از طرف وزارت دادگستری آگهی نشده است اجراء نمی گردد و طرفهای دعوی می توانند شخصاً دادخواست پژوهش فرجامی داده و



شرح بود: "در دادگاههای بخش و شهرستان متداعیین می توانند شخصاً یا بوسیله وکیل دادرسی کنند ولی در دادگاه استان و دیوانعالی کشور برای تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند. وکلای دادگستری در حدود پایه وکالت و دارندگان پایه قضایی و استادان دانشکده اعم از شاغل یا بازنشسته می توانند نسبت به دعوی راجع به خودشان در دادگاه استان و دیوانعالی کشور دادخواست داده و دادرسی نمایند. اجرای این ماده در عمل با مشکلات ذیل مواجه بود:

۱) عدم ضمانت اجرایی کافی جهت اجرای آن. ۲) کمبود تعداد وکلا (۳) بالا بودن تعرفه وکالت. این مشکلات که توأم با عدم رضایت مردم بود، موجب گردید که راه مراجعه متظلمین به محاکم عمومی دادگستری مسدود گردد و در نهایت ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آ.د.م. و الحاق موادی به آن مصوب ۲۰ آبانماه ۱۳۴۷ راجع به الزامی بودن دخالت وکیل دادگستری به موجب بند ب تبصره ۱۸ قانون الحاقی دو تبصره به قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور منسوخ گردید و با لغو ماده ۴ قانون موصوف حق انتخاب وکیل در دعوی و اختلافات مدنی در تمام مراحل دعوی به اصحاب دعوی واگذار گردید و افراد به موجب این قانون می توانستند آزادانه وکیل معین نمایند و یا شخصاً طرح دعوی کنند.

در حال حاضر مطابق قانون آئین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی انقلاب مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ افراد خود شخصاً حق اقامه دعوی و پیگیری دعوی خود را در دادگاههای بدوی، تجدید نظر و پژوهشی دارند و انتخاب وکیل اختیاری است. مطابق ماده ۳۱ قانون مذکور هر یک از متداعیین می توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب نمایند و مطابق ماده ۳۲ همین قانون وزارتخانه های موسسات دولتی و شرکتهای و شهرداریها می توانند از نماینده حقوقی خود جهت طرح دعوی یا تعقیب دعوی خود استفاده نمایند.

همانطوریکه در مقدمه بحث ذکر آن رفت اختیاری بودن انتخاب وکیل موجب شده است که بسیاری از افراد بدون آنکه آشنایی ابتدایی با الفبای حقوقی داشته باشند به خود اجازه دهند به یکی از تخصصی ترین امور مداخله نمایند و با طرح و تعقیب دعوی غیر اصولی برای خود و جامعه و دستگاه قضایی مشکلاتی را به وجود بیاورند، اقامه و تعقیب دعوی توسط افراد فاقد تخصص موجب خواهد شد

بسیاری از دعاوی به نتیجه مطلوب نرسد و موجب حجیم شدن پرونده های موجود در دادگستری ها گردد و مشکلات زیادی در عمل ایجاد نمایند نتیجه منفی این دعاوی و آثار سوئی که در روحیه شاکی و متشکی عنه باقی می گذارد موجب عدم رضایت مردم از دستگاه قضائی می گردد و ممکن است این تصور به وجود آید که دادگستری در احقاق حق آنان قدمی برنداشته ویا از طرف متصدیان مراجع قضایی مسامحه و سهل انگاری شده است. راهکارهای عملی جهت عملی شدن طرح الزامی شدن دخالت متخصصین حقوق در

دادگاهها

جهت آنکه پیشنهاد الزامی شدن دخالت وکلا و مشاوران حقوقی در دادگاهها امکان عملی شدن را داشته باشد لازم است در بسیاری از قوانین مربوط به این امر تجدیدنظر گردد و راههای اجرایی شدن این طرح پیش بینی شود. بنابراین پیشنهاد می شود:

(۱) در شرایط و نحوه پذیرش کارآموزان وکالت و دوره کارآموزی تجدیدنظر جدی شود به طوریکه تعداد وکلای فعلی کشور به تعداد مورد نیاز افزایش پیدا کند ودر این خصوص پیشنهاد می شود:

(الف) به تمامی اعضاء هیات های علمی دانشکده های حقوق و فارغ التحصیلان رتبه اول حقوق مجوز اخذ پروانه کارآموزی وکالت داده شود.

(ب) به تجارب عملی داوطلبان کارآموزی اهمیت و بهاء داده شود.

(ج) در تمامی استان ها کانون وکلای دادگستری تاسیس گردد و کانون وکلای دادگستری مرکز قسمتی از اختیارات خود را به کانون های مربوطه واگذار نماید. تا تعداد وکلاء در تمامی کشور به تناسب جمعیت وجود داشته باشد.

(د) از سختگیری های غیرضروری در دوره

اختیاری بودن انتخاب وکیل موجب

شده است که بسیاری از افراد بدون آنکه آشنایی ابتدایی با الفبای حقوقی داشته باشند به خود اجازه دهند به یکی از تخصصی ترین امور مداخله نمایند و با طرح و تعقیب دعاوی غیر اصولی برای خود و جامعه و دستگاه قضایی مشکلاتی را به وجود بیاورند

کارآموزی خودداری شود.

(۲) تاسیس موسسات و کلینیک های مشاوره حقوقی با تخصص های مختلف (کیفری، مدنی، خانوادگی، ثبتی و...) جهت ارائه مشاوره و تنظیم قراردادها.

(۳) الزام کلیه بنگاه های مسکن، اتومبیل و کارخانجات و شرکت ها به استفاده از مشاوران حقوقی و وکلاء در تنظیم قراردادها و کلیه امور حقوقی و قضائی خود.

پیشنهاد الزامی شدن دخالت وکلای

مشاوران حقوقی در تنظیم قراردادها

طرح و تعقیب دعاوی علاوه بر ارائه

موجبات اشتغال هزاران فارغ

التحصیلان رشته حقوق را موجب

خواهد شد، باعث یک رشد و برپایی

رشته حقوق خواهد گردید و به نتیجه

از دعاوی و مشکلاتی که به علت عدم

تنظیم اصولی قراردادها ایجاد خواهد

خاتمه می دهد.

(۴) از نظر قانونی تنها قراردادهائی معتبر باشد که در نزد یکی از وکلاء یا مشاوران حقوقی تنظیم شده باشد.

(۵) پس از الزامی شدن دخالت وکلاء و مشاوران حقوقی دادگستری از پذیرش دادخواست و شکوائیه هایی که بدون حضور وکلاء و مشاوران تنظیم شده باشد خودداری نماید و طرح و تعقیب دعاوی بدون حضور وکلاء و مشاوران امکان پذیر نباشد.

(۶) تشویق مادی و معنوی وکلاء و مشاورانی که دعاوی موکلین خود را به صلح و سازش خاتمه می دهند و یا تا مرحله نهائی به نتیجه مثبت رسانده اند.

(۷) حدود وظایف و مسئولیت وکلاء و مشاوران حقوقی در مقابل موکلین خود به قسمی معین گردد که مشاورین و وکلاء برای قبول وکالت و انجام وظایف خود مسئولیت بیشتری احساس نمایند و عدم پیشرفت کار را در ابتدای قبول وکالت به موکل اطلاع دهند و خسارت مادی و معنوی ناشی از بی دقتی یا غفلت و مسامحه آنان بر موکل بطریق سهل و آسان قابل جبران باشد.

(۸) کلیه وکلاء و مشاوران حقوقی موظف باشند به افرادی که توسط دادگاه محل معرفی می شوند و عدم بضاعت مادی و اعسار آنان به تایید دادگاه رسیده است، وکالت و مشاوره مجانی بدهند.

پیشنهاد الزامی شدن دخالت وکلاء و مشاوران حقوقی در تنظیم قراردادها و طرح و تعقیب دعاوی علاوه بر آنکه موجبات اشتغال هزاران فارغ التحصیلان رشته حقوق را موجب خواهد شد، باعث یک رشد و پویائی در رشته حقوق خواهد گردید و به بسیاری از دعاوی و مشکلاتی که به علت عدم تنظیم اصولی قراردادها ایجاد شده خاتمه می دهد.